

نوید مهر

# تحلیلی تطبیقی بر تحول طبقات اجتماعی

نظری گذرا به سیر تحول اجتماعات بشری، نشانگر روندی است که به تکامل جوامع انسانی از شکل و مضمونی ساده به فرم و محتوایی بغرنج و پیچیده می‌باشد. هسته مرکز این سیر تکاملی را دانش و فن که ابداع و کشفشان از توانمندی فکری و ذهنی نوع انسان نشأت گرفته، تشکیل می‌دهد. کشف قوانین مختلف در عرصه‌های طبیعی، اجتماعی، ما در عین حال، از قانونمندی فکر و اندیشه انسان ناشی می‌گردد و حامل نوعی ضرورت می‌باشد.

ما حاصل کلام این‌که، سیر تکامل علمی، فنی و به تبع آن تحول ساختار اقتصادی و صنعتی، (با سطوح متفاوت رشد و توسعه)، مسیر کم و بیش یکسانی (از شکل ساده اولیه به سمت اشکال صنعتی امروزی) را نشان می‌دهد. به یک اعتبار کلی، این فرایند، قانونمندی عام تکامل جوامع انسانی را ترسیم می‌نماید.

در بطن قوانین عام حاکم بر تحولات جوامع انسانی، به دلیل تفاوت‌های کشورهای جهان در زمینه‌های مختلف (جغرافیائی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی)، قانونمندی‌های خاص جوامع مختلف فعلیت می‌یابند که ویژگی‌های خاص هر جامعه معین (ویا گروه کم و بیش مشابه کشورها) را بازتاب می‌دهند. از این رو شکل‌گیری پدیده‌های مختلف و روند پیشرفت کشورها در مسیرهای گوناگون (با توجه به تفاوت‌های جوامع) در عین حال امری قانونمند بوده، که در مقاطع تاریخی سرنوشت گاه‌ها متفاوتی فراراه هر جامعه معین قرار داده و خواهد داد.



ورود جوامع مختلف جهان به مرحله صنعتی (وبهره‌گیری از علوم و دستاوردهای عملی آن یعنی تکنولوژی) و چگونگی شکل‌گیری «پروسه صنعتی‌شدن» و تأثیرات آن بر ساختار اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشورهای متفاوت، دارای اختلافات بعضاً فاحش و عمده‌ای بوده است. این امور و مسائل، در حقیقت از ویژگی‌های خاص هر جامعه معین و یا گروه‌های مشابهی از کشورها (نظیر جهان سوم) شکل می‌گیرد.

یکی از وجوه تفارق و شکاف بین کشورهای صنعتی و سایر جوامع عقب‌مانده که به جهان سوم شهرت یافته‌اند همانا در عرصه تحولات اجتماعی و بویژه تفاوت موجود در تحول طبقات اجتماعی در مرحله صنعتی این دو تیپ کشورها می‌باشد که به پویایی درونی این جوامع و یا عوامل عارضی خارجی بستگی دارد.

کشورهای صنعتی غرب، بدون رادع و مانع بازدارنده خارجی و تحت تحولات درونی خود با مسیری مشابه، دوران سلطه نظام‌های ارضی را پشت سر گذارده و وارد مرحله صنعتی می‌شوند. فتودالیسم در این کشورها، با تحکیم پایه‌های نظام صنعتی در شهرها و با سرکردگی بورژوازی نوپا و به کمک زحمتکشان شهر و روستا (در پی انقلابات اجتماعی-سیاسی) سقوط می‌کند.

پس از گذار سیستم‌های صنایع دستی و پیشه‌وری در غرب از مرحله نظام‌های مانوفاکتوری (که تقسیم کار اجتماعی عمده و جه تفاوت آن با نظام پیشه‌وری سنتی بود)، و اختراع ماشین و بهره‌گیری بورژوازی تجاری و کارفرمایان مانوفاکتورها از آن در عرصه تولید کالا، همراه با غارت مستعمرات، شرایط لازم برای شکل‌گیری نظام‌های صنعتی مهیا می‌شود.

با رشد ابزار و وسائل تولید در جوامع غربی، تضاد زیربنای اقتصادی با روبنای سیاسی (فتودالیسم) به‌مثابه مهم‌ترین و اصلی‌ترین تضاد در برابر تکامل این کشورها عینیت می‌یابد از این رو تنها راه تکامل این جوامع در گرو نابودی روبنای بازدارنده فتودالیته در دستور روز قرار می‌گیرد.



شرایط عینی تحولات ژرف در این جوامع فراهم می‌شود. شکل‌گیری بورژوازی و سازماندهی زحمتکشان شهر و روستا به‌رهبری این طبقه نیز شرایط ذهنی را فراهم می‌آورد و بدین ترتیب انقلابات اجتماعی تحقق می‌پذیرد و با نابودی حکومت‌های اشرافیت فئودال، پایه‌های قدرت بورژوازی (بدنبال قدرت اقتصادی آن) تحکیم می‌یابد.

بورژوازی غرب، بدین ترتیب نقش تاریخی خود را (بدون هیچ رادع و مانع سلطه‌گر خارجی) ایفاء می‌نماید و در مسیر طبیعی روند تکاملی خود، نهادها و سازمان‌های صنعتی گسترده و وسیعی را پی می‌ریزد این روند ضرورتاً شرایط لازم برای زایش و تکامل پروتاریای صنعتی (برای اولین بار در جهان) را همه‌جانبه فراهم می‌آورد. نگاهی گذرا به تاریخ دو قرن اخیر کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که تکامل اقتصاد صنعتی در این جوامع (عکس فرایند صنعتی شدن در جهان غرب)، روند و مسیر متفاوتی را طی می‌کند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی، دو قرن (۱۹ و ۲۰ میلادی)، دوران گذار از نظام‌های ارضی به سیستم سرمایه‌سالاری محسوب می‌شود، لیکن جهان سوم این دوران را نه در رابطه با پویایی امور و پدیده‌های درونی خود بلکه تحت نفوذ سلطه خارجی (سیستم سرمایه‌داری غرب) طی کردند.

نفوذ و سلطه سرمایه‌سالاری غرب در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع در حال رشد از آن نقاط گره‌ای و مسائل اساسی می‌باشد و بررسی جوانب مختلف این سلطه و روشن نمودن دامنه تأثیرات مخرب و منفی آن (هم از نظر کمی و هم از حیث کیفی) که تا هم‌اکنون نیز هم‌چنان مشکل‌ساز می‌باشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

برخی ویژگی‌های گذار جهان سوم (به ویژه ایران) از نظام‌های ارضی به صورت بندی اقتصادی-اجتماعی سرمایه‌سالاری (آن‌هم با خصلت‌های ویژه خود) را به قرار زیر می‌توان برشمرد:

- ۱- جوامع در حال توسعه، از جمله کشورمان ایران این دوران (قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی) را با کندی دردآلودی سپری کردند.
- ۲- جان‌سختی نظام‌های ماقبل سرمایه‌سالاری (نظام فئودالی-عشیرتی)



وتداوم این گونه شیوه‌های اقتصادی-اجتماعی، یکی از عوامل رکود اقتصادی جامعه ایران به حساب می‌آید.

۳- شکل‌گیری اقتصاد سرمایه‌سالاری (با توجه باینکه روابط کالائی-پولی از چند قرن قبل نیز در ایران رواج داشت) در این دوره، نه تحت پویائی طبیعی عوامل و پدیده‌های داخلی جامعه ایران، بلکه با نفوذ سرمایه‌های خارجی، صورت پذیرفت.

۴- حرکت‌های ملی در این دوران در رابطه با ایجاد صنایع مختلف (از جانب برخی سیاستمداران وطن‌دوست و بورژوازی تجاری)، با تسلط امپریالیستی روس تزاری و انگلیس و ایادی داخلی ایشان با شکست مواجه می‌شوند.

۵- عدم شکل‌گیری اقتصاد صنعتی ملی، محافظه‌کاری بورژوازی تجاری، تسلط رژیم فتودالی-عشیره‌ای و نفوذ قدرتهای امپریالیستی حامی آن گرایش جالب توجهی در سمت‌گیری بورژوازی تجاری به سوی خریداراضی و فعالیت‌های کشاورزی از یکسو و کشانده شدن فتودال‌ها و درباریان به طرف امور بازرگانی و تجاری از دیگر سو، امتزاجی مسالمت‌آمیز از این دو طبقه مربوط به دو نظام (از نظر تاریخی متخاصم) را پدید می‌آورد. شکل‌گیری این پدیده، (یعنی ظهور اقشار بورژوا-ملاک) از دیدگاه تاریخی دقیقاً برخلاف پروسه حرکت بورژوازی، در جهان غرب است که به‌عنوان سکندار جنبش‌های ضد فتودالی، نابودی فتودالیسم را در پی آورد.

۶- شرایط فوق‌الذکر، مانع اساسی بر سر راه شکل‌گیری صنعت داخلی و بورژوازی داخلی بود. این امر در موقعیت آن زمان جامعه ایران (اواخر قرن ۱۹) که منطقی‌باید بورژوازی ملی (بخصوص تجار بزرگ و اقشار ملی و صاحب صنایع ماشینی) سرمداری جنبش‌های ضد فتودالی و ضد استعماری را در دست می‌گرفت از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد.

۷- نفوذ سرمایه‌های خارجی در ایران، در این دوران همچنین نابودی صنایع پیشه‌وری رواج تجارت کالاهای داخلی را در پی داشت. این پدیده در همین حال، پدیده دیگر را بوجود آورد و آن سمت‌گیری تجار داخلی به



فروشنده‌گی کالاهای خارجی است.

این گرایش در ساختار طبقاتی بورژوازی تجاری ایران، زمینه ساز شکل‌گیری اقشار وابسته و فاسدی در طبقه تجار می‌گردد و پایه اصلی نضج-گیری بورژوازی کمپرادور (دلال‌منش) می‌شود و بورژوازی کمپرادور در جامعه ایران از آن زمان تا کنون یکی از عوامل بازدارنده تحولات اجتماعی و شکست جنبش‌های مردمی و ملی به حساب می‌آید.

۸- به دلیل انحراف حاصله در مسیر تکاملی بورژوازی در جامعه ایران، و نفوذ مونوپول‌های امپریالیستی، ساختار وابسته صنایع مونتاژ خارجی (با سرمایه خارجی و یا تلفیقی از سرمایه خارجی و سرمایه بورژوازی کمپرادور) شکل می‌گیرد و کارخانجات و مؤسسات بزرگ صنعتی احداث می‌شود.

۹- عوامل یادشده، بویژه تحقق صنعت ماشینی بزرگ (با مالکیت خارجی و یا تلفیقی) شرایط لازم برای زایش طبقه کارگر صنعتی (یعنی پرولتاریای صنعتی) در جامعه ایران را فراهم می‌آورند. مهاجرت عده‌ای از کارگران و کشاورزان به روسیه تزاری نیز یکی از منابع شکل‌گیری کارگران صنعتی در کشور می‌باشد.

این پدیده نیز یکی از عمده تفاوت‌های تحول طبقات اجتماعی در ایران و جهان غرب محسوب می‌شود. در غرب بورژوازی (با تقابل و ستیز طبقاتی یا فتودالها) و به کمک محور و مان شهر و روستا، فتودالیسم رانا بود می‌کند و با سوق سرمایه در بخش صنعت (که شرایط عینی آن پس از رشد علوم مختلف و کشفیات و اختراعات متعدد همه‌جانبه فراهم شده بود)، به بورژوازی صنعتی ملی فرا می‌رود و به دنبال آن پرولتاریای صنعتی پدید می‌آید. لیکن طبقه کارگر در ایران، در چهارچوب صنعت ماشینی وارداتی یا در خارج (و بدون حضور بورژوازی صنعتی) پا به میدان مبارزه می‌گذارد.

**خلاصه:**

پی‌گیری امور و پدیده‌های قرن ۱۹ میلادی در جامعه ایران و تأثیر نفوذ قدرت‌های سرمایه‌داری غرب در این میان، سیر تحول طبقات اجتماعی در جامعه ایران را دچار گسبختگی و انحرافات می‌کند که به قرار زیر و به اختصار به



آنها اشاره می‌شود:

- نفوذ سرمایه‌ها و کالاهای صنعتی غرب، عامل رکود صنایع پیشه‌وری و تجارت داخلی و تبدیل کشاورزی ایران به تأمین کننده مواد خام صنایع غرب به حساب می‌آید.

- عامل مهم رکود و نابودی صنعت داخلی و عدم تحقق صنایع بزرگ ماشینی با سرمایه‌های داخلی، نفوذ سرمایه‌های خارجی و کمک‌ایادی داخلی‌شان بود.

- در هم ریخته شدن ساختار کشاورزی ایران که عمدتاً سیر امور کشاورزی را در جهت منافع بورژوازی غرب قرار می‌داد.  
- تحریف مسیر طبیعی بورژوازی (عدم امکان تکامل سرمایه‌داری صنعتی) و سوق آن به سمت امور تجاری و ارضی. (برخلاف پروسه مشابه در جوامع غرب).  
- تحریف قشر بندی اجتماعی و ظهور قانو نمند طبقات اجتماعی وابسته به سرمایه‌داری.

- مهیا شدن شرایط لازم برای تسریع در شکل‌گیری اقشار بورژوا-ملاک (مصالحه طبقاتی نه رقابت و ستیز طبقه بورژوا- با ملاک نظیر غرب).  
- در اثر درهم‌ریزی فعالیت‌های کشاورزی، نابودی صنایع داخلی، اقشار بیکار و زحمتکش شهر و روستا فزونی می‌گیرد.

- جذب بیکاران در صنایع ماشینی نواحی جنوبی روسیه تزاری، مجتمع‌های نفتی جنوب، شیلات شمال و در نهایت پدید آمدن کارگران صنعتی (پرولتاریای صنعتی) پیش از شکل‌گیری بورژوازی صنعتی داخلی. این پروسه که برخلاف پدیده مشابه در جهان غرب بود، تأثیرات مهمی در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، بر جانهاد که تحقق آن و تأثیراتش، موضوع مقاله دیگری خواهد بود.